

نگارستان
شیر نگاه معاصر

قلب شریکوئیزو

دُگن کیگن

ترجمه‌ی فرهاد کرناایی

فهرست

زندگی دگن	۷
اثر دگن	۲۶
مقدمه‌ی آنه ماسانو و نورمن وادیل	۲۹
فوکاں دادنگی ترویج عام آداب دادن	۳۷
بندوا پیمودن طریق	۴۷
ایکا میوحو یکی مروارید رحشان	۸۵
گنجو کواں بیاں چیبسی	۹۵
یوچی هستی‌رمان	۱۰۵
بوسشو بوداسرست	۱۲۳
سامای اورامای سلطان سمادی سمادی‌ها	۱۸۷
شوچی تولدومرگ	۱۹۵
دادنگی آداب دادن	۱۹۹
نماه	۲۳
کتاب‌شناسی	۲۹

فوکان دادنگی

ترویج عام آداب داذن

فوکان دادنگی بحسب اثر دگس می‌باشد. این دفتر در ۱۲۲۷، همان سالی که وی از چپس مراجعت نمود نوشته شده است. این نوشته تحت تاثیر شماری از رسائلی است که در باب دادن در چپس وجود داشته و به طرق مختلف مشابه با آن‌ها بیر هست از جمله‌ی این آثار می‌توان به اثر چانگ لو تسوبگ زه راهب قرن دهم اشاره کرد. همه‌ی این رسائل از منظر بلاعی در مرتبه‌ی بالایی قرار دارند و سبک نثر چپسی را به سهولت در ذهن ماندگار می‌کند.

دگس از استاد خود ژو حسگ به عنوان «تنها فردی که از رمان استاد بو جانگ در دوره‌ی دودمان تانگ به راستی اهمیت دادن را دریافته است» یاد می‌کند. وی ژو حسگ را به این سبب می‌ستاید که می‌آموزاند «نشستن (دادن) **دارمای بودا** است و **دارمای بودا** نشستن است.» فوکان دادنگی بحسب تلاش دگن به قصد انتقال این آموزه به هموطنان خود است

فوکان دادنگی در طی قیروں در شب نشینی‌های منظم و سایر مناسب‌های معاند سوتو دن خوانده می‌شده است اگرچه این دفتر اصالتاً بخشی از شوونگرو نیست لیکن ما آن را به سبب جایگاه پر اهمیتی که در ذن دگس به خود اختصاص داده است در کتاب حاضر آورده‌ایم دگن در فوکان دادنگی ابحیتسو یورای (سبب کتابت فوکان دادنگی) شرح می‌دهد که از چه روی این اثر را پدید آورده است:

از آنجا که در ژاپس هرگر در باب «انقالی خاص و رای متوں مقدس» با «مخرن چشم **دارمای راستین**» و همچنین بدون شک در خصوص آداب دادن نیز امکان آموختن وجود نداشته است، این‌ها در اینجا منتقل شده‌اند. از این رو آن هنگام که از

سرزمین سوونگ (چپس) به خانه بار آمدم و شاگردانی برای آموزش گردم آمدند، محض خاطر ایشان خود را محور به نالف این اثر (فوکان دادنگی) در باب آداب دادن دیدم. در زمان‌های بس دور بو جانگ استاد چینی دن، دیری ساحت با تالاری محر اوپزه‌ی بریدن دادن با انجام این کار وی به شکلی کارآمد روش راستین بحسب پییر دن بودی در مارا منتقل نمود. این سبک رها از حس و حاشاک واستنگی به کلام [- مکاتب بودایی] پیش از وی بود. رهروان می‌باید که در این باب بدانند و از سردرگمی به درآیند.

راهب چانگ لو تسوبگ ره، زوو چن آی (به ژاپسی دادنگی) را در زمره‌ی چن یوان چینگ گوی [مقررات باب برای باع‌های دن] درآورد بخش اعظم آن پیرو مقصود بو جانگ بود اما مواردی نیز وجود داشت که تسوبگ ره خود به آن افزوده بود. این اختلاف سبب بروز خطاهای گوناگون و روی هم رفته فقدان شفافیت شد. هر کس معای پنهان در پس وارگان را از پیش نداند نمی‌تواند به کمال دریابد که او در تلاش برای گفتن چیست. به این دلیل، اکنون من آداب راستین دادن را که خود در سرزمین سوونگ آموخته‌ام گرد هم آورده و کتابت کرده‌ام بدان امید که دل ناگفتنی بوداستادان اعظم را احاله کند (اکو بو، جلد ۲، ۳-۴).

مقایسه‌ای میان فوکان دادنگی و زوو چن آی اثر سوونگ ره نشان می‌دهد در حالی که دگس صرفاً، بیشتر اثر خود را به متن کهن اختصاص داده، قسمت‌هایی را نیز به منظور اصلاح آنچه وی در کار تسوبگ ره اشتباه با ابهام می‌داسته به آن اضافه نموده است.

فوکان ذاذنگی

طریق اصالتاً کامل و فراگیر است چگونه تواند بود که مشروط به برریدن و تحقق باشد؟ **دارما** گردوبه مطلقاً رها است و نامحدود چه سازی هست به تفلای متمرکز ما؟ به راستی که دور است جسم کل در پس عمار جهان که تواند به دست افراری برای عمار رویی آن مومن باشد؟^۱ هیچ از تو جدایی اش نیست هر آن کجا که هستی چه بهره‌ای دارد اینجا و آنجا به برریدن پرداختن؟

با این حال، کوچک‌ترین منافات اگر باشد، طریق به دوری آسمان از زمین است اگر دره‌ای دوست داشتن یا دوست نداشتن پدید آید دهن در پریشانی از دست می‌شود.^۲ خیال کن که افتخار درک از آن تو گشته، دستاوردهای خود را فربه کرده‌ای، به بصیرتی که در میانه‌ی چیرها سازی است نظر افکنده‌ای، طریق را حاصل و دهن خویش را پاکیزه ساخته‌ای، تمای عروج به آسمان بی‌کرانه را در خود پرورانده‌ای به گشت و گذاری می‌روی آغازین و حرینی از میانه‌ی مرزهای **دارما**،^۳ لیکن هبور در طریق ضروری‌هایی تام نارسایی

۱ جسم کل [- واقعیت] (تئاتا) به تمامیت جبرها در جینی‌سان ارجاع دارد بوداسرسن «عمار» جهان رخصت برآمدن به اوهام دادن باکی اصل بوداسرسن را می‌آلاند «دست افراری برای عمار رویی آن» نلمحی است به مسافه‌ی ساعری مشهوری که هوی ننگ ششمین اسناد اعظم دن با پیروزی در آن احاله‌ی **دارما** را از اسناد اعظم بنجم هونگ زن دریافت نمود شعر شین سو ارسد مریدان هونگ رن جین بود «این جسم درخت بوذهی است دهن همچون آینه‌ای تاباک بر پایه‌ای پیوسنه در روغن آن بکوس مگذار عمار گیرد» هوی ننگ با این سرورده وی را ناسخ داد «از اساس بوذهی درخت نیست دهن آینه را بر پایه‌ای نباشد از نخست اینجا هیچ بوذه است بس کجا تواند که عمار بردارد؟» (جینگ ده جوان دنگ لو دفتر بنجم)

۲ از سرورده‌ی دن سین سین‌مینگ: «کوچک‌ترین منافات اگر باشد طریق به دوری آسمان از زمین است. برای تحقق یافتن نظائرش، نه با او باش و نه بر او نالافی دوست‌دانشین‌ها و دوست‌دانشین‌ها خود بیماری دهن است. در دوگانگی‌ها سکی مگرین و با وسواس از طی طریق حذر کن. اگر دره‌ای دوست‌دانشین یا دوست نداشتن‌ات باشد، دهن در برسانی از دست می‌سود.»

۳ **دارما** (هو 經) حقیقت قاعده اصول و عقاید و آموزه‌های بودا بوداگرایی. در سراسر این کتاب **دارما** (بولد شده) به حقیقت و دارما(ها) به جبرها اجرای هستی و پدیدارها اشاره دارد

به خود بودا بطری افکنید، او که عرقه‌ی آگاهی عظیم حلی حوشتن بود؛ با این همه اثر راست شستنی شش ساله‌ی او را انکار نتوان کرد یا سودی در ما، او که دهن حاتم بودا را احاله نمود؛ آوازه‌ی نه سال دیوار شیبی او را تا امروز ستوده‌اند حال که این کرد و کار قدیسان کهن است، چگونه باشد که مردمان امروز نتوانند با پیمودن طریق از آن معاف گردند؟

از این روی ناید رها کی برریدن بر سیای فهم عقلانی، پی کلمات رفتن و پیرو ران بودن را، و فراگیری گامی به پس برداری که نور ناطن را نه روشی یافتگی در تو برافروزد تن و دهن از خود فرو می‌افتد و صورت راستین تو ظاهر می‌گردد اگر شوق حصول چیبی تو را هست، باید که بی‌درنگ چیبی را سرری

اناقی آرام برای برریدن دن درخور است معتدل بحور و یاشام مشعله‌ها را همه به کاری افکن، و راه بر همه امور برسد به یک ماندیش، به بد میاندیش به له و علیه وقعی مگذار حشش‌های دهن هوشیار را همه پایان ده، قضاوت در باب آرا و دیدگاه‌ها را عزم بودا شدن نداشتته باش برریدن دن (سن دن)* انداً هیچ‌اش کار با چهار وضعیت جسمانی قدم گشادن، ایستادن، شستنی و درارکشیدن نیست

در مکانی که منظم جلوس می‌کسی، ریرانداری از بورنای صحیم پهن کن و محده‌ای بر آن نگذار یا نه هست بیلوفر کامل ششین و یا نیم‌بیلوفر در بیلوفر کامل، بحست پای راست بر ران چپ نگذار و سپس پای چپ را بر ران راست در وضعیت نیم‌بیلوفر تنها پای چپ را بر ران راست قرار ده ناید که بد و حرقه را سست سته و مرتب گردانده باشی پس دست راست بر پای چپ نگذار و دست چپ را نه گوبه‌ای که کف آن رو به بالا باشد بر کف دست راست قرار ده، بوک انگشتان شست دست‌ها در تماس با

* سن دن (參禪) برد اسنادی رفتن و از وی دسور گریس در مکتب رنرای به گمگویی در حفای سن اسناد و رهرو به محوریت تک کوان بر گفته می‌سود